



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

آمریکای دو قطبی ترامپ



فرآورده های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: علی ظریف

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- ۲ مقدمه
- ۲ آمریکای دو قطبی
- ۳ دلایل دو قطبی شدن جامعه آمریکا
- ۴ آمریکا و کابوس جنگ‌های انفصال
- ۵ تمایلات نژاد پرستانه ترامپ
- ۶ نتیجه گیری



□ مقدمه

جامعه‌شناسان سیاسی دوقطبی شدن جوامع را پدیده‌ای خطرناک می‌دانند که می‌تواند اختلافات و دودستگی در نظام‌های سیاسی را تعمیق دهد و در صورت استمرار، ساختار سیاسی را با تهدیدات فزاینده‌ای روبرو کند. تحلیلگران بین‌المللی معتقدند جامعه آمریکا در سال‌های اخیر با سرعت زیادی به سمت دوقطبی شدن پیش رفته است. پنجاه و نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نوامبر سال جاری میلادی برگزار خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود مجموعه شرایط و اقتضائات داخلی آمریکا در کنار ناکامی‌های دونالد ترامپ در عرصه سیاست خارجی، وضعیت این انتخابات را پیچیده و مبهم کرده که می‌تواند جامعه آمریکا را با چالش مواجه کند. هم‌اکنون عرصه سیاست خارجی بسیار آشفته است، از پرونده کره شمالی و ونزوئلا گرفته تا لغو بسیاری از پیمان نامه‌های اقتصادی و از همه مهم‌تر تنش تهران- واشنگتن، به پاشنه آشیل ترامپ در آستانه انتخابات ۲۰۲۰ بدل شده است.

از سوی دیگر رفتار غیرمنطقی و ساختار شکن دونالد ترامپ در سه سال گذشته عملاً آمریکا را به جامعه‌ای دوقطبی تبدیل کرده است. بررسی روند استیضاح ترامپ نشان داد که نگاه فرقه‌ای و ترس از طرف مقابل در آمریکا در حال اشاعه است. ترامپ آشکارا اخلاق و قانون را به چالش می‌کشد و هیچ تخریفی از سوی ترامپ سبب نمی‌شود تا جمهوری خواهان دست از حمایت وی بردارند؛ حتی اگر مطمئن باشند که او از قدرت خود مانند ماجرای «اوکراین گیت» سوءاستفاده کرده است. حالا حرف اول و آخر را در آمریکا منفعت طلبی شخصی و فرقه‌ای می‌زند.

□ آمریکای دوقطبی

یکی از مهم‌ترین مسائل گریبانگیر رو به رشد جامعه آمریکا بعد از روی کار آمدن ترامپ، قطبی شدن جامعه است. قطبی شدن جامعه اینجا به معنای افزایش شکاف‌های مختلف و متعارض است که درون خود همگرایی و وحدت بیشتری از افراد و گروه‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در واقع همان‌گونه که برخی صاحب‌نظران معتقدند، این تحولات ساختاری و تراکم شکاف‌های اجتماعی است که عامل دوقطبی شدن جامعه را فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه به قطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی در آمریکا دامن زده است، موضوع خاستگاه ترامپ از جناح راست افراطی است که درون خود رویکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت وی را شکل داده است، آن‌گونه که صاحب‌نظران جامعه‌شناسی اعتقاد دارند راست افراطی دارای مؤلفه کلیدی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پوپولیسم به معنای ساده صحبت کردن، ضدنخبه‌گرایی و ضداستقرارگرایی، اقتدارگرایی و بومی‌گرایی به عنوان تلفیقی از ملی‌گرایی و بیگانه‌هراسی. مبتنی بر این مؤلفه‌ها شکاف‌های اجتماعی مختلفی درون آمریکا در این سال‌ها شکل گرفته و این جامعه با دوقطبی در رویکردها به سیاست، مسائل اجتماعی، اقتصاد و... روبه‌رو شده است.^۱

^۱ -روزنامه جوان، «دولت ترامپ و چالش دوقطبی‌سازی»، ۱۳۹۸/۷/۲۷

در سال ۲۰۱۶ میلادی دونالد ترامپ از همان آغاز فعالیت‌های تبلیغاتی خود تلاش کرد با حربه دوقطبی سازی جامعه آمریکا به پیروزی در انتخابات دست یابد. مسئله‌ای که در میان حیرت همگان به حقیقت تبدیل شد. مواضع چالش برانگیز ترامپ درخصوص ناسیونالیسم اقتصادی و تاکید بر مشکلات و مسائل داخلی آمریکا سبب شد تا یک دوقطبی بسیار پررنگ در جامعه شکل بگیرد و به همین دلیل دونالد ترامپ توانست پیروز انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شود. نگاه‌های پوپولیستی و نژادپرستانه دونالد ترامپ درخصوص رنگین پوستان و افزایش شکاف اجتماعی، چالش‌هایی جدی علیه رئیس جمهوری آمریکا شکل داده است. با این حال فراموش نکنیم ترامپ در سایه همین نگاه و تاکید بر "ناسیونالیسم اقتصادی" توانسته موجی از کارآفرینی، اشتغال و درآمد را در جامعه آمریکا ایجاد کند. پر واضح است به هر میزان که نگاه‌های نژادپرستانه ترامپ گسترش یابد، در آن سو پویش‌های اجتماعی ضد رئیس جمهور آمریکا بیشتر خواهد شد و به تبع آن جامعه آمریکا بیش از پیش دوقطبی خواهد شد.

مهم‌ترین جلوه این دو قطبی در شکاف بین طرفداران حزب دموکرات و جمهوری خواهان است. در دهه ۱۹۶۰ تنها ۵ درصد دموکرات‌ها و جمهوری خواهان نسبت به ازدواج فرزندان خود با شخصی از طرف مقابل حساسیت داشتند اما در شرایط فعلی بر طبق نظرسنجی موسسه تحقیقات مذهبی آتلانتیک، ۳۵ درصد از جمهوری خواهان و ۴۵ درصد از دموکرات‌ها نسبت به این مسئله ابراز ناراحتی کرده‌اند. بر اساس تحقیقات دانشگاه "وندربیل" بسیاری از طرفداران دو آتشه دموکرات‌ها و جمهوری خواهان علاقه دارند تا معارضان طرف مقابل خود را به شکل حیوان تصور کنند؛ تصویری که می‌تواند در توجیه هرگونه خشونت علیه طرف مقابل نقش اساسی داشته باشد. از هم اکنون می‌توان نشانه‌های گسترش این دو قطبی را مشاهده کرد. "سزار اوسیوک" بمب‌گذاری که قصد انفجار دفاتر حزبی دموکرات‌ها در سال ۲۰۱۸ را داشت، تماشاگر مشتاق شبکه فاکس نیوز بود. حمله به تظاهرات کنندگان ضد نژادپرستی در "شارلوت ویل" ویرجینیا نشانه‌ای دیگر از آغاز خشونت‌های سیاسی است.^۱

□ دلایل دوقطبی شدن جامعه آمریکا

۱- پیروزی ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ همه را غافلگیر کرد. بسیاری از کارشناسان ترامپ را پدیده‌ای در ساختار سیاسی آمریکا ارزیابی کردند که تاکنون در این سطح از سیاست بی سابقه بوده است. کارشناسان، ترامپ را فردی به شدت "اقتدارگرا، زن‌ستیز، خودشیفته، نژادپرست، ثروتمند و موفق در عرصه اقتصاد سنتی" ارزیابی کردند که تحولات سه سال گذشته نیز تقریباً درستی تمامی این موارد را نشان داده است.

^۱ - خبرگزاری فارس، «استیضاح ترامپ؛ وقتی رویکرد حزبی بر همه چیز غلبه می‌کند»، ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

۲- ترامپ در بیش از سه سال گذشته نه برای ساختارهای سیاسی امریکا ارزش قائل بوده و نه به اصول پذیرفته شده امریکا در عرصه‌های بین‌المللی اعتقادی نشان داده است. این موضوع در نوع خود به قطبی‌سازی در جامعه امریکا دامن زده است. در واقع وی بدون اینکه سابقه‌ای در کارهای دولتی و حکومتی داشته باشد در انتخابات حضور یافته و به رغم مخالفت با ساختار سیاسی امریکا به پیروزی رسیده و سکان اداره یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های جهان را در اختیار گرفته است. ترامپ در این سال‌ها نشان داده که اهل مشورت با ساختارهای سیاسی، اطلاعاتی و فکری در امریکا نبوده و به شدت ضدساختار و خودمحور است.

۳- شکاف‌های ساختاری در خود نظام سیاسی آمریکا مشهود است از جمله اختلاف نظرها بین نهادهای سیاسی مانند وزارت خارجه و نهادهای امنیتی همچون سازمان امنیتی امریکا و نیز مشاور امنیت ملی کاخ سفید. یا میان کاخ سفید و قضات فدرال آمریکا. در این چارچوب به نظر می‌رسد شکاف درون قدرت رسمی و غیررسمی امریکا در دهه‌های گذشته هیچ‌گاه به این اندازه که در دولت ترامپ پر رنگ شده، نبوده است.

۴- علاوه بر شکاف سیاسی، دولت امریکا در این دوره بر مبنای خاستگاه اجتماعی آن شکاف‌های اجتماعی متعددی را نیز پیش‌روی خود یافته که از جمله مهم‌ترین آن‌ها شکاف هویت است. شکاف هویتی به معنای احساس تفاوت و تعارض بین خود و دیگری است. جامعه امریکا که زمانی از آن به عنوان دیگ فراخ فرهنگ امریکایی یاد می‌شد و افرادی از مذاهب و اقوام مختلف را در خود جای داده بود، در دوره کنونی و تحت سیاست‌های ترامپ دچار برهم خوردگی شده است. ویژگی اخص راستگرایان افراطی، باورهای نژادی است که به واسطه تأکید بر برتری ذاتی نژاد خود و پست شمردن نژادهای دیگر است. همین باورهای نژادی در فرادست خود بر محوریت و برتری ملت و ملی‌گرایی حکایت دارد که یکی از ویژگی‌های اصلی دولت ترامپ است.^۱

□ آمریکا و کابوس جنگ‌های انفصال

در نیمه اول قرن نوزدهم جامعه آمریکا در حال مواجهه تجربیات مشابهی بود. ایالت‌های شمالی با تکیه بر فرآیند سریع صنعتی شدن از حالت کشاورزی خارج و تبدیل به مراکز صنعتی بزرگی شده بودند که دیگر نیازی به برده‌های سیاه‌پوست برای اداره کردن زمین‌های گسترده نداشتند. در مقابل منبع اصلی درآمد ایالت‌های جنوبی همچنان اقتصاد کشاورزی بود. در غیاب ماشین‌های کشاورزی همچون کمباین‌ها، نیروی انسانی برده‌ها بود که مزارع گسترده ذرت و پنبه را می‌چرخاندند. بدون برده‌ها کار هیچ‌کدام از این مزارع نمی‌توانست ادامه پیدا کند.

^۱ -روزنامه جوان، «دولت ترامپ و چالش دوقطبی‌سازی»، ۱۳۹۸/۷/۲۷

شمالی‌ها از آزادی سیاه‌پوستان حمایت می‌کردند درحالی‌که چنین سخنانی به معنای اعلام جنگ بود. اوضاع به قدری وخیم بود که بسیاری از نمایندگان کنگره به صورت مسلح در صحن کنگره حضور می‌یافتند. این دو قطبی گسترده در نهایت به آغاز جنگ داخلی در آمریکا انجامید؛ جنگی که در نهایت به نابودی اقتصاد ایالت‌های جنوبی منجر شد. البته این نبردها منجر به آزادی سیاه‌پوستان نشد بلکه در نهایت آن‌ها به کارخانجات پارچه‌بافی و فلزکاری تبعید شدند. حالا هم به نظر می‌رسد که با روی کار آمدن ترامپ شرایط مشابهی در آمریکا با تحولات قبلی شکل می‌گیرد. جمهوری‌خواهان با ترس گسترده از دموکرات‌های پشت سر ترامپ جمع شده‌اند و حاضر نیستند این موضع را از دست بدهند. شاید انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال جاری نقطه شروع این درگیری باشد و ترامپ از همین رو به دنبال ترساندن مردم آمریکا از سندرز به عنوان یک کمونیست است.^۱

□ نمایات نژادپرستانه ترامپ

«قطبی شدن آمریکا به مرحله خطرناکی رسیده و نه تنها سبب تفرقه می‌شود بلکه زخم‌های سیاسی، فرهنگی و معنوی بر آمریکا برجا می‌گذارد.» این هشدار است که "نشال ریویو" در مطلبی با اشاره به توپیت نژادپرستانه ترامپ خطاب به نمایندگان رنگین پوست دموکرات منتشر کرده است.

متن کامل سخنان ترامپ این چنین بود: "خیلی جالب است که ببینید زنان ترقی‌خواه دموکرات عضو کنگره، که خودشان در اصل از کشورهایی می‌آیند که دولتشان فاجعه تمام و کمال است، حالا با صدای بلند و به شکلی شروانه به مردم آمریکا، یعنی عظیم‌ترین و قوی‌ترین ملت دنیا، می‌گویند دولت ما چطور باید اداره شود. چرا این‌ها بر نمی‌گردند تا جاهای کاملاً ورشکسته و جرم‌زده‌ای را درست کنند که خودشان در اصل از آنجا می‌آیند. سپس بازگردند و به ما نشان دهند که چگونه باید این کار را کرد. این جاها به کمک شما نیاز شدیدی دارد، باید هر چه زودتر عازم شوید. من مطمئن هستم "نانسی پلوسی" بسیار خوشحال خواهد شد که به سرعت ترتیب یک سفر رایگان را بدهد".

این نشریه می‌نویسد: سکوت تقریباً تمامی رهبران جمهوری‌خواه عمیقاً دل‌سرد کننده است. آیا آنها پیامی را که رهبر حزبشان ارسال کرده نشنیدند؛ پیامی که به ویژه برای شهروندان رنگین پوست آمریکایی فرستاده شد؟ آیا آنها درک نمی‌کنند که کینه توزی نژادپرستانه به عنوان یک راهبرد سیاسی نه تنها به شکست حزبشان منجر می‌شود بلکه سبب تفرقه شدید می‌شود و زخم‌های عمیق سیاسی، فرهنگی و معنوی برای آمریکا برجا می‌گذارد؟

قطبی شدن آمریکا به مرحله خطرناکی رسیده است. ترامپ از کینه توزی به عنوان یک راهبرد سیاسی استفاده می‌کند. اما چنین راهبردی نه تنها هوشمندانه نیست بلکه مخرب و نادرست است. اما متأسفانه حقیقت این است که تنها چند جمهوری‌خواه جرئت بیان این حقیقت آشکار و غم‌انگیز را دارند و این نشان می‌دهد که فساد به فراتر از کاخ سفید رخنه کرده است.^۲

^۱ -خبرگزاری فارس، «استیضاح ترامپ؛ وقتی رویکرد حزبی بر همه چیز غلبه می‌کند»، ۱۳۹۸/۱۱/۲۵

^۲ -خبرگزاری ایرنا، «قطبی شدن آمریکا به مرحله خطرناکی رسیده است»، ۱۳۹۸/۴/۲۵

□ نتیجه گیری

دونالد ترامپ اعتقاد دارد که به هر میزان جامعه داخلی به سمت فضای دوقطبی کشیده شود، شانس او برای پیروزی در انتخابات پیش رو بیشتر می شود؛ با این حال این نگرانی هم وجود دارد که در سایه نزدیک بودن میزان آراء مخالفان و موافقان عملکرد ترامپ، این احتمال وجود دارد که دوقطبی جامعه به شکستش نیز منجر شود. اردوگاه جمهوری خواهان بیم دارند جامعه دوپاره آمریکا در صورت فزاسازی رسانه های دموکرات امسال به گونه دیگر عمل کرده و زمینه ساز خروج ترامپ از کاخ سفید شود و کاندیدای دموکرات پیروز میدان شود. مسئله ای که ترامپ به آن باور نداشته و اتفاقاً همین نکته می تواند باعث شود که ترامپ با موج پوپولیستی جدیدی همراه شود و برای چهار سال دیگر رئیس جمهور آمریکا شود.

آنچه بیش از همه به قطبی شدن فضای سیاسی و اجتماعی در آمریکا دامن زده است، موضوع خاستگاه ترامپ از جناح راست افراطی است که درون خود رویکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت وی را شکل داده است. ترامپ به این نتیجه رسید که اگر می خواهد برنده انتخابات آینده باشد باید خود را به عنوان مخالف ساختار مستقر در آمریکا و نجات دهنده طبقات به حاشیه رانده شده معرفی کند. این موجب می شود طبقات فقیر و درمانده جامعه آمریکایی به سیاست های او امیدوار شوند و گروه های ناراضی از جریان های چپ و راست افراطی نیز از او حمایت کنند. سیاستی که استمرار آن می تواند آمریکا را در بحران های عمیق سیاسی و اجتماعی فرو برد.

در نهایت آنچه اهمیت دارد دوپاره شدن جامعه آمریکاست. نظرسنجی اخیر مؤسسه «پیو» در جولای ۲۰۱۹ که در بین هزار و ۵۰۰ شهروند آمریکایی انجام گرفته، مؤید همین امر است و نشان می دهد در فضای سیاسی آمریکا در شرایط کنونی درباره موضوعات مهم اتفاق نظر چندانی وجود ندارد. بر اساس این نظرسنجی، دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در موضوعات عمده و حتی تهدیدات اصلی علیه آمریکا مانند تغییرات آب و هوایی، مواضع در قبال ایران، گسترش قدرت روسیه و نفوذ چین در گیر اختلاف هستند.

سخنرانی سالانه ترامپ در مقابل نمایندگان کنگره در فوریه ۲۰۲۰ عمق فاجعه را نشان می دهد. اختلاف و دو دستی میان دو رقیب اصلی قدرت، از احزاب دموکرات و جمهوری خواه به حداکثر رسیده است. در حالی که نمایندگان جمهوری خواه با کف زدن های مرتب به تناوب سخنرانی رئیس جمهوری را قطع می کردند، نمایندگان دموکرات واکنش چندانی به سخنان ترامپ از خود نشان نمی دادند. پیش از شروع سخنرانی، دونالد ترامپ از فشردن دست نانسی پلوسی رئیس مجلس نمایندگان آمریکا از حزب دموکرات خودداری کرد و در پایان خانم پلوسی نیز نسخه سخنرانی رئیس جمهوری را آشکارا در مقابل نمایندگان پاره کرد. این گونه رفتارها نشان می دهد دو قطبی شدن سیاست آمریکا در حال تشدید است و چشم انداز مثبتی هم مشاهده نمی شود. روند استیضاح نافرجام وی عملاً موید این ادعاست.

کارشناسان بر این باورند چشم پوشی سناتورهای جمهوری خواه از تخلفات ترامپ در جریان استیضاح وی نشان دهنده بیشتر شدن فاصله دموکرات ها و جمهوری خواهان و تبدیل شدن جامعه آمریکا به یک توده دوقطبی است. موضوع هنگامی آزار دهنده می شود که اکثریت جمهوری خواه کنگره اجازه حضور شاهدان در جلسه استیضاح

را ندادند. این اتفاق نشان داد در آمریکای مدعی دموکراسی هم، "دیکتاتوری اکثریت" می‌تواند رخ دهد و منصفانه بودن روند استیضاح ترامپ عملاً زیر سؤال رفته است.

